

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۴۴ - شنبه ۹/۱۰/۹۱

مثالی برای تقریب کلام شهید صدر رحمته الله علیه

برای بررسی کلام شهید صدر رحمته الله علیه ابتدا مثالی را مطرح می‌کنیم، هر چند با ما نحن فیه تفاوت دارد اما مقرب مسئله خواهد بود و در ادامه ما نحن فیه را بررسی خواهیم کرد.

در مواردی که تخییر عقلی و یا شرعی است و همگان تخییر را قبول دارند، مانند جایی که مولا دستور داده است: «أعتق رقبةً» و مکلف در مقابل چند رقبه قرار دارد و همه‌ی آنها در برآورده کردن غرض مولا یکسان هستند و حق مولویت مولا را نیز ادا می‌کنند، در این موارد آیا مکلف می‌تواند اطاعت امر مولا کند؟ بدیهی است که مکلف می‌تواند اطاعت امر مولا کند و یک عبد را انتخاب کند و اگر گفته شود چرا این عبد را انتخاب کرد و دیگری را انتخاب نکرد، در واقع همان اشکال شهید صدر وجود دارد و ترجیح بلامرجح است در حالی که شکی وجود ندارد که مکلف قادر به اطاعت امر مولا است.

و یا در مورد خصال کفاره (اطعام ستین مسکین، صوم ستین یوماً و عتق رقبة) مکلف هر یک را انتخاب کند مجزی خواهد بود، اما این سؤال مطرح است که اگر مکلف مثلاً صوم ستین یوم را برگزیند چه ترجیحی بر دو مورد دیگر دارد؟

در پاسخ خواهیم گفت در انتخاب فرد، رعایت جانب مولا نشده است. مولا در مثال اول طبیعت عتق رقبة را می‌خواهد و مکلف آن را تحویل مولا می‌دهد، حال این طبیعت در ضمن چه مشخصات فردی آورده می‌شود مربوط به اغراض نفسانی مکلف می‌باشد و غرض نفسانی مکلف در اینجا امری مضر به

اطاعت امر مولا نیست؛ مثلاً مکلف قصد داشته با انتخاب عتق، این عبد از او دور شود لذا آن را انتخاب می‌کند، یا در خصال کفار «صوم ستین یوم» انتخاب می‌شود زیرا دو کفاره‌ی دیگر هزینه‌ی مالی بر مکلف داشت ولی این کفاره هزینه‌ی مالی ندارد.

در ما نحن فیه نیز وقتی مکلف احتمال می‌دهد فعل قربی متعلق امر است یا ترک صلاة متعلق قسم است، گرچه از حیث مولا هیچ‌یک مزیتی بر دیگری ندارد ولی مکلف با یکی از اغراض نفسانی یک طرف را انتخاب می‌کند مثلاً طرف فعل را انتخاب می‌کند و از آنجا که ذات آن عمل (علیٰ فرض ثبوت) دارای امر است اکنون که تنها احتمال ثبوت آن می‌رود با قصد امر احتمالی و رجاء فعل مزبور می‌تواند اتیان شود و لامحاله اگر فی الواقع دارای امر بود می‌تواند صحیح واقع شود؛ زیرا عمل توسط مکلف آورده شده و قصد امر آن نیز شده است، هر چند انتخاب این طرف با یک غرض نفسانی بوده است اما احتمال اینکه نامقدور باشد بی‌معناست.

اینکه عمل باید نزد مولا دارای رجحان باشد سخنی درست است، اما منظور آن است که خود عمل فی نفسه علیٰ فرض ثبوت باید این‌گونه باشد و اینکه مکلف در اثر قرار گرفتن در تنگنا نمی‌تواند شرعاً یکی را بر دیگری ترجیح دهد مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا مکلف ترجیح یکی بر دیگری را برای خدا انجام نمی‌دهد؛ زیرا هر دو طرف نزد مولا مساوی است، لذا ترجیح توسط غرضی از اغراض مکلف انجام می‌گیرد ولی پس از این ترجیح اگر این عمل قربی باشد نقصانی در تحقق آن قربة الی الله وجود ندارد. بنابراین تلاش شهید صدر برای الحاق ما نحن فیه به مسئله‌ی اضطرار الی معین، تلاشی عقیم است کما اینکه ایشان نیز به نوعی از کلام خود رفع ید کرده است.

آنچه در مسئله‌ی دوران بین محذورین که یک طرف آن تعبّدی است بیان کردیم، در موردی که دو طرف آن تعبّدی باشد نیز جاری است؛ زیرا موافقت قطعی‌ی آن امکان ندارد اما مخالفت قطعی‌ی آن ممکن است؛ یعنی اگر فعل صلاة و ترک صلاة هر دو قربی باشد و احتمال وجوب هر یک داده شود، از آنجا که مکلف نمی‌تواند هر دو را انجام دهد موافقت قطعی‌ی آن ممکن نیست؛ زیرا جمع بین نقیضین است، اما مخالفت قطعی‌ی ممکن است به دلیل آنکه مکلف می‌تواند با ترک قصد تقرّب، هیچ‌کدام را اطاعت نکند.

نتیجه‌گیری

در دوران امر بین محذورینی که یک طرف آن تعبّدی است، از آنجا که موافقت قطعی‌ی امکان ندارد لامحاله وجوب موافقت آن معنا ندارد، ولی چون مخالفت قطعی‌ی ممکن است باید از آن اجتناب شود.

بنابراین تخییر عقلی در این دوران وجود دارد و مکلف می‌تواند هر طرفی را که بخواهد انتخاب کند. البته اباحه در هر طرف بخصوصه جاری نیست؛ زیرا اگر در هر طرف برائت جاری شود لازمه‌اش جواز مخالفت قطعیه‌ی عملیه است و هرگاه از جریان اصلین، تجویز مخالفت قطعیه‌ی عملیه لازم آید اصلین جاری نخواهند بود.

همان‌گونه که بیان شد این مطالب مربوط به موردی است که دو طرف هم‌سنگ باشند و یک طرف احتمالاً یا محتملاً مزیتی بر دیگری نداشته باشد، اما اگر یک طرف احتمالاً یا محتملاً بر دیگری رجحان داشته باشد، مثلاً امر زنی دائر بین حیض و استحاضه باشد ولی احتمال حیض و حرمت صلاة نزد او قوی‌تر باشد، از آنجا که اصلین جاری نیست و تخییر عقلی حاکم است، اگر احتمال یک طرف قوی‌تر باشد بنابر مسلک مختار یعنی مسلک حق الطاعة باید احتیاط شود؛ زیرا احتمال، منجز است و مؤمن ندارد؛ کما اینکه اگر از حیث محتمل، یک طرف اقوی باشد مثلاً حرمت فعل صلاة در ایام حیض بر فرض ثبوت، ملاک قوی‌تری از فعل صلاة در هنگام استحاضه داشته باشد، بنابر مسلک حق الطاعة باید احتیاط شود؛ زیرا مؤمن وجود ندارد.

و اگر در جایی تعارض میان مزیت قوت احتمال و قوت محتمل مطرح شود، مثلاً احتمال استحاضه بیشتر است اما قوت ملاک حرمت صلاة در ایام حیض قوی‌تر باشد، مکلف باید برآیند دو طرف را محاسبه کند؛ اگر در برآیند، احتمال ترک نماز مقدم باشد باید جانب آن رعایت شود و اگر در برآیند، احتمال فعل صلاة مقدم باشد باید جانب آن رعایت گردد.

صورت سوم: دوران امر بین محذورین با تعدد واقعه

در مثال‌هایی که بیان شد چنین فرض شد که مثلاً مکلفی قسم بر سفر یاد کرده است ولی نمی‌داند قسم بر فعل سفر یاد کرده است یا ترک سفر، اما مربوط به یک روز خاص بود. اکنون چنین فرض می‌کنیم که دوران امر بین محذورین است و هر دو طرف توصلی است اما واقعه متعدد است؛ مثلاً مکلفی می‌داند قسمی یاد کرده است که مربوط به روز سه‌شنبه و جمعه است ولی نمی‌داند قسم بر سفر روز سه‌شنبه و جمعه یاد کرده یا قسم بر ترک سفر در روز سه‌شنبه و جمعه یاد کرده است. در این حالت وقتی مکلف به خصوص روز سه‌شنبه می‌رسد نه موافقت قطعیه‌ی آن ممکن است نه مخالفت قطعیه‌ی آن، کما اینکه در روز جمعه نیز چنین حالتی برقرار است؛ به علت اینکه مکلف نمی‌تواند هم سفر رود و هم نرود. اما اگر هر دو روز را با هم در نظر بگیرد و این مبنا که بعداً اثبات خواهیم کرد ضمیمه شود که علم اجمالی در

تدریجیات همچون دفعیات منجز است، در این صورت دو علم اجمالی جدید حاصل می‌شود که با در نظر گرفتن علم اجمالی دو شعبه‌ای اول در نهایت سه علم اجمالی خواهیم داشت.

علم اجمالی دوم

مکلف در علم اجمالی شماره‌ی دو می‌تواند قضیه‌ای منفصله درست کند به این صورت که یا سفر سه‌شنبه بر او واجب است یا سفر جمعه بر او حرام است؛ زیرا اگر قسم بر انجام سفر خورده باشد باید سه‌شنبه به سفر رود و اگر قسم بر ترک سفر خورده است جمعه نباید به سفر رود. این علم اجمالی دارای قابلیت مخالفت و موافقت قطعیه است؛ زیرا اگر سه‌شنبه سفر رود و جمعه ترک سفر کند موافقت قطعیه کرده است و اگر سه‌شنبه ترک سفر کند و جمعه به سفر رود مخالفت قطعیه انجام داده است. بنابراین از علم اجمالی اول، علم اجمالی پدید آمده است که با آن تفاوت دارد.

مقرر: سید حامد طاهری